

فئودور داستایفسکی

تحقیر و توهین شده‌ها

برگردان:

پرویز شهیدی



سرشناسه:	داستانایوسکی، فتودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م. Dostoyevsky, Fyodor.
عنوان و نام پدیدآور:	تحقیر و توهین شده‌ها/فتودور داستایفسکی؛ برگردان: پرویز شهدی.
مشخصات نشر:	تهران: به سخن، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۵۰۴ ص. ۱۴ × ۲۱ س. م.
شابک:	978 - 600 - 94844 - 4 - 7
وضعیت فهرست‌نویسی: فنیبا	
یادداشت:	عنوان اصلی: Unizhennye i oskorblennye
یادداشت:	کتاب حاضر از ترجمه‌ی فرانسه تحت عنوان «Humiliés et offensés» به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت:	کتاب حاضر با عنوان «آزردگان» در سال‌های مختلف توسط ناشران و مترجمان مختلف منتشر شده است.
موضوع:	داستان‌های روسی - قرن ۱۹ م.
شماره افورده:	شهدی، پرویز، ۱۳۱۵ - مترجم.
رده‌بندی کنگره:	PG۳۳۶۰ / آ۴۱۳۹۳
رده‌بندی دیوینی:	۸۹۱/۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی:	۳۶۸۵۷۹۵



تهران، انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ لبافی‌نژاد، شماره ۲۴۰
تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

تحقیر و توهین شده‌ها
فتودور داستایفسکی

برگردان: پرویز شهدی

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴ ه. ش.

۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: غزال

چاپ: چاپخانه‌ی جام طلایی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۴۴-۴-۷

ناشر همکار: انتشارات مجید

www.majidpub.com

۳۳۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار مترجم
۷	جلد اول
۹	بخش نخست
۱۳۳	بخش دوم
۲۵۱	جلد دوم
۲۵۳	بخش نخست
۳۷۹	بخش دوم
۴۷۱	پی‌گفتار
۴۷۱	آخرین خاطره‌ها

پیش‌گفتار مترجم

مردمان تهیدست و به معنی واقعی کلمه، بی‌چاره و بی‌نوای داستایفسکی، با همه‌ی بی‌نوایان نویسنده‌های دیگر، به‌ویژه نویسنده‌های اروپایی به کلی متفاوتند. درست است که گرسنگی سرمنشاء همه‌ی شرارت‌ها، بدطینتی‌ها، فسادها و گمراهی‌هاست، اما تهیدستان داستایفسکی، در عین گرسنگی، فقر، بیماری و محرومیت‌ها، ویژگی‌های انسانی‌شان را از دست نداده‌اند، نه تنها به جان هم نمی‌افتند، بلکه احساس همدلی و ابراز همدردی نسبت به یکدیگر جزو سرشت‌شان است. تا کسی معنی فقر و تهیدستی را به‌طور کامل نفهمیده و نجشیده باشد، نمی‌تواند بفهمد چه بلای بزرگی است، چون همان‌طور که گفتم شاید بتوان همه چیز را تحمل کرد، بیماری، بی‌سرباهی، بی‌کسی، بی‌یار و یآوری، اما گرسنگی این چیزها سرش نمی‌شود. فرد موقعی که گرسنه می‌ماند دست به هر کاری ممکن است بزند، حتا دزدی، خیانت، خودفروشی، اما در آثار داستایفسکی چنین خصلت‌هایی را در شخصیت‌های فرو دستش نمی‌بینیم، در عین محرومیت و گرسنگی، قرص نانی را که دارند با یکدیگر تقسیم می‌کنند. درست است که داستایفسکی در خانواده‌ای نسبتاً مرفه به دنیا آمده، پدرش پزشک بوده و گرسنگی نکشیده، اما بعدها در زندگی شخصی‌اش، همان‌طور که می‌دانیم همه‌گونه بلا به سرش آمده و هر نوع محرومیت و سختی را چشیده است. به‌طور کلی تهیدستی و در ماندگی آن‌گونه که در روسیه وجود داشته، با آن رژیم ارباب رعیتی که رعیت‌ها جزو جدایی‌ناپذیر ملک و سرمایه به‌شمار می‌آمده‌اند، فقر و محرومیت چهره‌ی دیگری داشته. مادر آثار نویسندگانی مانند ویکتور هوگو، اوژن سو، دیکنز به این طبقه برمی‌خوریم، ولی تنگدستی و محرومیت در آن‌ها به‌صورت عقده‌هایی درآمده که چون قدرتش را ندارند تلافی‌اش را سر طبقه‌ی مرفه که خون آن‌ها را

می مکدر در آورند، به جان یکدیگر می افتند.

بیش از نیمی از شخصیت‌های داستایفسکی در آثار گوناگونش، از «مردمان فرودست» یعنی اولین اثرش گرفته تا «برادران کارامازوف»، آخرین کارش، از این طبقه هستند. امکان داشته که گرسنگی و محرومیت آن‌ها را به راه‌های نادرست کشانده باشد، اما شرارت و خبث طینت، به‌ویژه نسبت به یکدیگر را در آن‌ها نمی‌بینیم. همگی دارای خصلت والای انسانی هستند، علو طبع و بزرگی روح‌شان را حفظ می‌کنند. حتا در «جنایت و مکافات» چه در مورد شخصیت اصلی که دست به جنایت می‌زند، اما از پولی که دزدیده کوچک‌ترین استفاده‌ای نمی‌کند و چه در مورد شخصیت زن داستان، یعنی سونیا یا سوفیا که برای سیر کردن شکم کودکان یتیم نامادری‌اش به خود فروشی تن می‌دهد، در واقع گونه‌ای بزرگ منشی و انسانیتی است که از خود نشان می‌دهد، بالای صلیب می‌رود، بدترین ننگ‌ها را به خودش می‌خرد. تا شکم کودکان بی‌گناهی را سیر کند، آن وقت می‌بینیم نامادری که او را به این کار واداشته، با چه احساس گناه و ندامتی به پای او می‌افتد.

انسانیت و نوع‌دوستی در همه‌ی آثار داستایفسکی موج می‌زند، شخصیت‌های تهدیدش در هر شرایطی که قرار داشته باشند، حتا بیماری و گرسنگی، باز عزت نفس و بزرگواری‌شان را حفظ می‌کنند.

در این داستان می‌بینیم شخصیت‌ها به‌رغم ظلم‌ها و بیدادگری‌هایی که تحمل می‌کنند، به‌رغم تحقیرها و توهین‌ها، باز هم انسان می‌مانند. آثار داستایفسکی علاوه بر جنبه‌های روان‌شناسانه و تجزیه و تحلیل دقیق ویژگی‌های روحی و اخلاقی آدم‌ها، ادعای نام‌ایست علیه تفاوت طبقاتی و ظلم بی‌رحمانه‌ای که از سوی طبقات مرفه و دولتمردان به طبقه‌ی محروم و فرودست تحمیل می‌شود.

پی‌نوشت:

۱. عنوان «پرنس» که از آن یکی از شخصیت‌های اصلی است به این مفهوم نیست که او به‌واقع شاهزاده و از تبار سلطنتی است. این عنوان‌های پرنس، دوک، کنت و غیره به تقلید از فرانسوی‌ها بود و پایه و اساس درستی نداشت، به‌همین دلیل هم من با همان عنوان «پرنس» آوردم. - م.
۲. همان‌طور که خوانندگان اطلاع دارند اسم‌های روسی دور و دراز و تلفظ آن‌ها مشکل و شامل نام کوچک، نام پدر و نام خانوادگی می‌شود و من برای سهولت کار به ذکر فقط نام کوچک اکتفا کرده‌ام. - م.